

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متن درس دوم عربی دوازدهم تجربی ریاضی

مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ: مکه مکرمه و مدینه منوره

جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّلَافُزِ وَ هُمْ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي مَطَارِ.

اعضای خانواده روبه روی تلویزیون نشستند در حالی که حاجیان را در فرودگاه مهرآباد مشاهده می-کردند.

أَعْضَاءُ: جمع عضو، حُجَّاج: جمع حاج، مَطَار: اسم مکان، هُمْ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي مَطَارِ: حال

نَظَرَ «عَارِفٌ» إِلَى وَالِدِيهِ، فَرَأَى دُمُوعَهَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا. فَسَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا: يَا أَبِي، لِمَ تَبْكِي؟!

عارف به پدر و مادرش نگاه کرد؛ دید که اشکهایشان از چشمانشان فرو می‌ریزد. با تعجب از پدرش پرسید: ای پدر، چرا گریه می‌کنی؟!

وَالِدِ: اسم فاعل، دُمُوع: جمع دَمْع، أَعْيُنِ: جمع عَيْن، مُتَعَجِّبًا: اسم فاعل، مُتَعَجِّبًا: حال

الْأَبُ: حِينَمَا أَرَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ، تَمَرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي؛ فَأَقُولُ فِي نَفْسِي: يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى!

پدر: هنگامی که مردم را می بینم به حج می روند، خاطراتم از پیش چشمم می گذرند؛ پس با خودم می گویم: ای کاش بار دیگر بروم!

رُقِيَّةُ: وَلِحَيْتِكَ أَدَيْتَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي!

رقیه: ولی تو با مادرم در سال گذشته واجب دینی حج را به جا آوردی!

الْأُمُّ: لَقَدْ اشْتَقَّ أَبُوكُمْ إِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ وَ الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ.

مادر: پدرتان به دو حرم شریف و بقیع شریف مشتاق شده است.

عارف: أ أنتِ مُشْتَاقَةٌ أَيضاً؛ يا أمّاه؟

عارف: ای مادرم، آیا تو نیز مشتاقی؟

مُشتاق: اسم فاعل؛ اسم مفعول آن هم مشتاق است

الأم: نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ يَا بُنَيَّ.

مادر: آری، البته پسرکم.

الآبُ: كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ، يَشْتَاقُ إِلَيْهَا.

پدر: هر مسلمانی هنگامی که این صحنه را می بیند به آن مشتاق می شود.

مُسْلِم: اسم فاعل، مَشْهَد: اسم مکان

عارف: ما هِيَ ذِكْرِيَاثُكُمَا عَنِ الْحَجِّ؟

عارف: خاطرات شما از حج چیست؟

ذِكْرِيَاث: جمع ذكري

الآبُ: أَتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحُجَّاجِ فِي مَنَى وَ عَرَفَاتٍ وَ رَمَى الْجَمْرَاتِ وَ الطَّوَافَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ وَ السَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، وَ زِيَارَةَ الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ.

پدر: چادرهای حاجیان در منی و عرفات، رمی جمرات، طواف اطراف کعبه شریف، سعی میان بین و مروه و زیارت بقیع شریف را به یاد می آورم.

الأم: وَ أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءِ الْوَادِعِ فِي قِمَّتِهِ.

مادر: و من کوه نور را به یاد می آورم که پیامبر در غار حرا واقع در قلّه آن عبادت می کرد.

رُقَيْة: أَنَا قَرَأْتُ فِي كِتَابِ التَّرْبِيَةِ الدِّينِيَّةِ أَنَّ أُولَى آيَاتِ الْقُرْآنِ نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ فِي غَارِ حِرَاءِ.

رقیه: من در کتاب تربیت دینی خوانده ام نخستین آیات قرآن در غار حرا بر پیامبر فرود آمد.

أُولَى: اسم تفضيل مؤنث أول

هَلْ رَأَيْتِ الْغَارَ؛ يَا أُمَّاهُ؟

آیا غار را دیدی؛ ای مادرم؟

الأم: لا يا بُنَيَّتِي. الغار يقع فوق جبلٍ مرتفعٍ، لا يستطيعُ صعودُهُ إلا الأقوياءُ. و أنتِ تعلمين أن رجلى نُؤلمنى.

مادر: نه درخترکم. غار بالای کوهی بلند واقع شده است. فقط افراد نیرومند می توانند از آن بالا روند. و تو می دانی که پایم درد می کند.

مُرتَفِع: اسم فاعل، أقوياء: جمع قوی،

رُقَيْة: هل رأيتما غارَ ثورِ الذي لجأ إليه النبيُّ ص في طريقِ هجرتهِ إلى المدينة المنورة؟

آیا غار ثور که پیامبر ص در راه هجرتش به مدینه منوره به آن پناه برد را دیدید؟

الآب: لا يا عزيزتى أنا أتمنى أن أتشرف مع جميع أعضاء الأسرة و مع الأقرباء لزيارة مكة المكرمة و المدينة المنورة مرةً أخرى و أزور هذه الأماكن.

نه عزیزم؛ من آرزو دارم که بار دیگر با همه اعضای خانواده و با نزدیکان برای زیارت مکه مکرمه و مدینه منوره مشرف شوم و این مکان ها را زیارت کنم.

أقرباء: جمع قریب، مُكرِّمة: اسم مفعول، مُنورة: اسم مفعول، أُخرى: اسم تفضیل و مؤنث آخر به معنای

دیگر؛ آخر: پایان و مؤنث آن آخره، أماكن: جمع مکان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قواعد درس دوم عربی دوازدهم ریاضی تجربی

حال

تعریف حال: کلمه یا کلماتی هستند که حالت یک اسم (غالباً فاعل یا مفعول) را بیان می‌کند و بعد از اتمام کلام می‌آید و جزء ارکان اصلی جمله نیست.

مرجع حال: فاعل یا مفعول که حال، حالت آن را بیان می‌کند، مرجع حال نامیده می‌شود. مرجع حال همیشه **معرفه** است.

نکته حال باید از لحاظ عدد و جنس با مرجع حال مطابقت کند.

مثال: جاءَ الطِّفْلُ ضاحِکاً: کودک، خندان آمد. در این جمله ضاحکاً: حال، و الطِّفْلُ: مرجع حال است.

جاءتِ الطِّفْلَاتُ ضاحِکاتٍ: کودکان، خندان آمدند. ضاحکاتٍ: حال و الطِّفْلَاتُ: مرجع حال است.

انواع حال: (۱) حال مفرد (۲) حال جمله

(۱) **حال مفرد:** یک کلمه به صورت تک اسم و نکره است.

- تک اسم (جمله نیست)

شرایط حال - نکره

مفرد - اسم فاعل یا اسم مفعول یا یکی از وزنهای فَعِيل، فَعِل،

- **علائم آخر:** — ، یَنْ، یَنْ، اتِ

مثال: رَأَيْتُ الرَّجُلَ مَسْروراً. رَأَيْتُ الرَّجُلَيْنِ مَسْرورين. رَأَيْتُ الرَّجَالَ مَسْرورين.

رَأَيْتُ الْإِمْرَأَةَ مَسْرُورَةً. رَأَيْتُ الْإِمْرَأَتَيْنِ مَسْرُورَتَيْنِ. رَأَيْتُ النِّسَاءَ مَسْرُورَاتٍ.

نکته ۱) هرگاه دو اسم پشت سر هم بیاید هر دو معرفه یا هر دو نکره باشند معمولاً موصوف و صفت هستند مثل مثال اول و دوم در پایین؛ اما اگر اولی معرفه و دومی نکره باشد، اولی مرجع حال و دومی حال می‌باشد مانند مثال سوم.

جاء الطالبُ الفَرِحُ. **صفت** جاء طالبُ فَرِحَ. **صفت** جاء الطالبُ فَرِحاً. **حال**
دانش آموز خوشحال آمد. دانش آموز خوشحالی آمد. دانش آموز، خوشحال آمد.

نکته ۲) حال هر چند مثنی یا جمع باشد، مفرد ترجمه می‌شود.

۲) حال جمله یا جمله حالیه: گاهی حال به صورت جمله می‌آید؛ لذا هرگاه بعد از اتمام کلام و بعد از اسم معرفه جمله ای بیاید و حالت آن اسم را نشان دهد، جمله حالیه است.

مثال: شَاهِدْتُ التَّلَامِيذَ يُكْتَبُونَ دَرُوسَهُمْ: دانش آموزان را دیدم در حالی که درسهایشان را می‌نوشتند.
دَخَلَ الطَّالِبُونَ الصَّفَّ وَ هُمْ ضَاحِكُونَ: دانش آموزان داخل کلاس شدند در حالی که می‌خندیدند.

هر دو جمله حالیه

نکته ۱) جمله حالیه هر گاه از نوع جمله اسمیه باشد، یا فعلیه باشد و ما قبل فعل حرف (قَدْ) باشد؛ قبل از آنها یک (و) می‌آید که به آن **واو حالیه** می‌گویند. **واو حالیه**

نکته ۲) به سه جمله زیر دقت کنید:

المُعَلِّمُ يَكْتُبُ كِتَابَهُ: معلم کتابش را می‌نویسد.

رَأَيْتُ مُعَلِّمًا يَكْتُبُ دَرْسَهُ: معلمی را دیدم که کتابش را می‌نوشت.

رَأَيْتُ الْمُعَلِّمَ يَكْتُبُ دَرْسَهُ: این معلم را دیدم در حالی که کتابش را می‌نوشت.

در جمله اول فعل (يَكْتُبُ) تمام کننده جمله است یعنی بعد از اتمام کلام نیامده و نمی‌توانیم آن را از جمله حذف کنیم و نقش خبر دارد. اما این فعل در دو جمله دوم بعد از اتمام کلام آمده یعنی توضیح اضافی هست اما در جمله دوم بعد از اسم نکره آمده لذا نقش صفت (جمله وصفیه) و در جمله سوم بعد از اسم معرفه آمده لذا نقش حال (جمله حالیه) دارد.

ترجمه جملات حالیه: در ترجمه جملات حالیه قید (در حالی که) را می‌آوریم و با توجه به شرایط جمله حالیه و جمله ماقبل آن به صورت موارد زیر ترجمه می‌کنیم:

الف) فعل ماضی + فعل ماضی ← ماضی ساده یا بعید

خَرَجَ الطَّالِبُ مِنَ الصَّفِّ وَ قَدْ كَتَبَ دَرُوسَهُ:

دانش آموز از کلاس خارج شد در حالی که درسش را نوشته بود.

ب) فعل ماضی + فعل مضارع ← ماضی استمراری

رَأَيْتُ الرَّجُلَ وَ هُوَ يَذْهَبُ إِلَى بَيْتِهِ:

آن مرد را دیدم در حالی که به خانه‌اش می‌رفت.

نکته ۱) حال غالباً با استفاده از (کیف) سنوال می‌شود و جمله‌ای که با (کیف) سنوال می‌شود غالباً در جوابش حال می‌آید. مثال: **كَيْفَ ذَهَبَ الطَّالِبُ؟ ذَهَبَ مَسْرُوراً.**

نکته ۲) کلمات (جَمِيعاً، مَعاً، قَائِلاً، وَحَدًا) اگر در جملات پس از اتمام کلام بیایند همیشه نقش حال دارند.